

عاشق کیمیای هستی

مجموعه سروده‌های زنده‌یاد «بممن کرمی»
در نعت، مدح و منقبت امیرالمؤمنین: امام علی (ع)
(خاک چمگردانی)



۱۳۹۹

سرشناسه کرمی، بهمن، ۱۳۸۶-۱۳۲۱.
 عنوان و نام پدیدآور: علی کیمیای هستی: مجموعه سروده‌های زنده یاد «بهمن کرمی» در مدح
 امیرالمومنین (ع).
 مشخصات نشر: اصفهان: کاشف علم، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص.
 شابک ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۷۰۶۸-۶
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 عنوان دیگر: مجموعه سروده‌های زنده یاد «بهمن کرمی» در مدح امیرالمومنین (ع).
 موضوع: شعر فارسی-- قرن ۱۴
 موضوع: Persian poetry -- 20th century
 رده بندی کنگره PIR۸۱۸۴
 رده بندی دیویی ۸۱۶۱/۶۲
 شماره کتابشناسی ملی ۶۱۱۵۸۷۴

علی کیمیای هستی

مجموعه سروده‌های زنده یاد «بهمن کرمی» در
 نعت، مدح و سجع، امیرالمومنین؛ امام علی (ع)
 (خاک چمگ دانی)



نشر کاشف علم

شاپور کرمی

سمانه کرمی

مریم علی پور دهقانی

۱۰۰۰ نسخه

اول ۱۳۹۹

۹۷۸-۶۲۲-۶۹۷۰۶۸-۶

۴۰۰۰۰ تومان

گردآوری و تدوین:

ویراستار:

گرافیک:

شمارگان:

نوبت چاپ:

شابک:

قیمت:

www.KashefElm.ir

تماس با گردآورنده: ۰۹۱۳۳۳۴۸۴۹۸

تماس با نشر: ۰۹۱۳۶۵۶۴۲۸۸

فهرست اشعار

۱۱	معرفی سراینده
۱۳	پیشگفتاری بر منظومه علی کیمیای هستی
۱۹	زندگی نامه خودنوشت که در زندان حیات استاد توسط خودشان مکتوب گردیده است
۲۵	شکرخند وصال
۲۶	مولای من
۲۷	غدیریه
۳۱	مهر جلی
۳۳	أنا مدینه العلم و علیُّ بابها
۳۴	آرزوی حضرت مولی
۳۵	توحیدیه
۳۹	در نعت حضرت علی علیه السلام
۴۰	ساقی کوثر
۴۱	قصید تماشا
۴۳	بخشید خدا بدو علی را
۴۵	اسوه مردان خدا
۴۷	رؤیای زندانی خاک
۵۰	شمع شبستانی

در نعت شیر کردگار و حیدر کرار

ولایت حضرت علی علیه السلام

افتخار

بزم عشق

غدیریہ

عشق مجنون

ناد علیاً

دار عشق

همانندی

دست - دا

ذکری از بیان ه راه

شب قدر

نبض هستی

پایدار و پای دار

راه و رسم انبیاء

وصف علی علیه السلام

شمشیر حیدر

یا امیر المؤمنین

غدیریہ

غدیریہ (قصید دیدار)

انتقام

شب قدر

همای صدر نشین

علی را دوست دارم

هوالحق

آهنگ دیدار دوست

۹۵	در نعت حضرت مولی علیه السلام
۹۷	با ولای علی
۹۸	خاک پای حیدر
۹۹	علی شیر خداست
۱۰۰	یا علی علیه السلام
۱۰۲	علی نور یقین
۱۰۳	علی و شب آدینه
۱۰۴	بازار عشق
۱۰۵	قطعه
۱۰۶	شاه بیت
۱۰۷	یا علی
۱۰۸	در نعت علی ولی خدا شیر کردگار
۱۱۰	چون علی دیگر کسی در دهر نیست
۱۱۱	علی قاضی دادگستر
۱۱۴	در نعت و مدح و منقبت علی علیه السلام
۱۱۷	لیله القدر
۱۲۱	مرغ دل
۱۲۲	جان جهان
۱۲۳	یادگاری از علی علیه السلام
۱۲۴	ولایت علی
۱۲۵	در مدح و منقبت حضرت علی علیه السلام
۱۲۷	داستان زیبای علی نور چشم پیمبر
۱۳۳	خواستگاری مردی ثروتمند از حضرت زهرا (س)
۱۳۵	واثله سوگند دادن در شوری
۱۴۳	یا علی مدد
۱۴۵	علی فاتح بزرگ

۱۴۷	در نعت مولی الموحدين علی علیه السلام
۱۴۸	خلوت با علی
۱۵۱	عشق علی
۱۵۴	شب میلاد مولود کعبه
۱۵۶	شب قدر
۱۵۸	شکوه ولایت
۱۵۹	علی علیه السلام آمد
۱۶۶	ر به تاریکی علی را دیده ای

پیشگفتاری بر منظومه «علی‌علیه» کیمیای هستی»

مدت مدیدی بود که تصمیم داشتم تا پیشگفتاری بر یکی از آثار پر ارزش استاد خاک چمگردانی بنویسم. لیکن نه زان قدر قدرت تقریر و نه خامه را جرأت تحریر در این زمینه بود که خدای ناکرده چنان که شایسته مقام این عارف وارسته و شاعر شیرین گفتار است، نتوانم آن‌سان که باید از عهده این مطلب برآیم و در مقابل آن هم مدانات والا و مهر و محبتی که استاد مدت سی سال در حق این مرید شیفته فضائل ایشان، سرچشمه جبات شرمندگی فراهم گردد.

لیکن با شکر و سپاس از پروردگار، چنین رفیقی را نصیب من نمود، باید به آگاهی خوانندگان عزیز و شعر دوستان صاحب‌دل و نازک اندیش برسانم که آنچه را در این مورد از قلم ناچیز نگارنده می‌تراود، افسانه و یا خدای ناکرده مبالغه نیست نه از دوستان یکدل هرگز چنین انتظاری نمی‌رود. بلکه شمه‌ای از سرگذشت راستان و داستان زندگی پیر صاحب‌دلی است که حدود سی سال افتخار مجالست و مؤانست با استاد مرا (با توجه به نهیب وجدان) بر آن می‌درد که به قول معروف:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی بابا چشید

و با توجه به مطلبی که همواره ورد زبان استاد بود «حرف را باید زد، درد را باید گفت» و آنچه را که بر ذمه من است ادا نمایم تا در زدودن لکه‌های ابر عدم شناخت، از مقابل چهره زردش معرفت ایشان کمر همت بریندم و از این بیشتر ماه را در پس این غمام ظلمانی پنهان نداشته و چنین دُر گرانمایه‌ای را که حقیقتاً در صدف زمانه در پس قلل بلند دشواری‌های مادی و عدم شناخت ابنای روزگار همچنان ناشناخته مانده است و طالبان علم و درایت از فیض وجودشان محروم مانده‌اند را از پشت پرده آشکار گردانیده و در حد وسع خویش نگذارم که بعضی از اشعار و گلایه‌های قدما همچنان مد روز و ورد زبان‌ها باشد که:

تا هستم ای رفیق ندانی که کیستم روزی سراغ وقت من آبی که نیستم

آری! سخن از استاد خاک چمگردانی سراینده بزرگ منظومه جاویدان و حماسی شاهدنامه است و به ویژه مجموعه سروده حاضر تحت عنوان علی (ع) «کیمیای هستی» که در تعقیب کتاب دیگری به نام «کیمیای خاک» در بیست هزار بیت و درباره مسائل عرفانی سروده شده است. آری اوصاف و ویژگی های استاد در کتب متعدد ایشان بیان و احصاء گردیده است. اما خصیصه و صفت والایی که در زندگی نامه ایشان کمتر بدان اشارت رفته، عرفان ناب و علاقه خاص ایشان به انبیاء و اولیای الهی (چهارده معصوم) و مخصوصاً عشق ناب و سرشار استاد به ساحت مقدس حضرت امیرالمؤمنین و یعسوب الدین (ع) بود که با وجود سرایش هزاران بیت در نعت حضرت مولی (ع) از هم عقیده مند بودند که:

گرد آفایا بس هر جوهر شوند	کوه جنگل خامه و دفتر شوند
صد هزاران کاتب ای رد خدا	برنویسند روز و شب وصف ترا
شمه ای را از صفات پاک تر	وز سواد و جوهر و ادراک تو
باز می مانند در ره بی گمان	نیست آنان را در این مورد توان
ما به تاریکی علی را دیده ایم	زان سبب غیری بر او بگریزیم
آنچه می گویم از این شرح و بیان	درازا عشق عمیق من نشان

آنچه این عارف فرهیخته و استاد و شاعر و امیر سرافراز ارتش اسلام و قاضی دادگر و بسیجی دریادل و سالک وارسته و جانباز ایثارگر و دونده و شناگر ماهر و سواد دار و بردست و نویسنده عزیز را با خلق و خوی ساده زیستی پیمبرگونه و اینکه افتخار داشتند که تا زنده هستند همچنان کشاورزی ساده باقی بمانند و من هر چه که دارم از خرمن پربرکت فضل ایشان خوشه چینی کرده و در برابر بزرگ منشی و تواضع و فروتنی خاص و عشق ورزی و صفا و یک دلی او نسبت به ائمه طاهرين (ع) حقیر خود را شاگرد و مریدی ناچیز می دانم و از آنجا که استاد زندگی بی آرایش خود را نشأت گرفته از حیات پر ارج حضرت مولی (ع) و ابوذر و حضرت حمزه سید الشهداء (ع) می دانستند،

همان سان که زندگینامه بسیاری از این بزرگان صدر اسلام را به رشته نظم کشیده و در این مسیر زهر هجران چشیده بودند، پس وظیفه دوستی ها و مودت دیرین ایجاب می کند تا به اندازه توانایی خویش از مقام والای ایشان قدردانی نمایم. هرچند به قول سعدی علیه الرحمه:

مدح تو را گر کنند ورنه نکنند اهل فضل

حاجت مشاطه نیست روی دلارام را که عطر خود بوید.

استاد که از پیروان صادق و دلباختگان حقایق و شیفته طریقت مولای متقیان بودند و به جرأت می توان گفت که بسیاری از فرامین و دستورات حضرتشان (علیه السلام) را نصب العین و سرلوحه زندگی خویش قرار داده و پیوسته شاگردان و هواداران خویش را به تبعیت و پیروی از ایشان سفارش می نمودند. شاگردان و مریدان صافی که همچون پروانه به گرد شمع وجودشان حلقه می زدند و خصوصاً در لیالی آدینه با دلی عارفانه از کینه بطور دسته جمعی زمزمه می کردند:

بار دگر آمده آن مه زیبای من تا که به هم برزند عالم رویای من

امر به معروف و نهی از منکر از خصلت های بار این عارف صافی ضمیر بود که پیوسته در تمامی جلسات ضمن سفارش یاران به تقوی و پرهیزی از ولایت و سیاستی عجیب با دیانت و ساده زیستی که برخاسته از آیات قرآنی و اوامر ربانی است، برای لحظه ای مسأله بزرگ امر به معروف و نهی از منکر را فراموش نمی کردند که در این راستا بسیاری از جوانان و اهالی محل را می شناسم که قبل از تماس و مجالست با استاد نسبت به مسائل عبادی مثل نماز روزانه و انجام دیگر فرایض بی تفاوت بوده ولی با مشارکت در چند جلسه از کلاسهای تفسیر قرآن و هیچ ابلاغ روحیه آنان دگرگون شده و اکنون جزو افراد مؤمن و متعهد به شمار می آیند و از سوی دیگر ستار سراینده کتاب حماسی و منظوم شاهدنامه در بحر متقارب بوده اند که حاوی صدها هزار بیت غزل و نغز در توصیف عملیات رزمندگان اسلام در هشت سال دفاع مقدس و زندگی نامه بسیاری از سرداران شهید می باشد که جلد نخست آن طبع و نشر و چاپ و بقیه نیز در شرف انجام است که در هر جلسه با قرائت چندی از ابیات شاهد نامه نظیر:

دلیران ایران به پا خاستند یکی لشکر از عشق آراستند
قدم در طریق توکل زدند به کارون خونرگ تا پل زدند
از اینجا چو بگشوده گردید، راه به سوی شلمچه روان شد سپاه
بیابان سوزان و گرمای سخت جگر گشته از تشنگی لخت لخت
ز ازار جنگ آنچه بُد ساخته تو گویی که در کوره بگداخته
و آنگاه در مورد صفات بارزی که مخصوص استاد بود، می فرمودند:

صفاتی مرا بود و تاب و توان که محروم بودند از آن دیگران
نخست آشنایی به قرآن پاک که میراث بودی مرا از نیاک
به تیر هرجا که درمانده ام در این باره تفسیرها خوانده ام
ز و نش هنرها زمن دیده اند مرا بارها نیک بگزیده اند
به روز شد و سواری و دو هنرها برآید زمن نو به نو
به فن کشاری و پشت و کار مهیا کنم قوتی از کشتزار
منم آشنا با رمو، ببرد مرا آشنایی است با سوز و درد
بوقت نوشتن مرا هر دو دست به کار آید و این هنر نیز هست
فزون از دو ساعت نشد خواب من عرب و شگفت است این تاب من
چنین طبع غزا خداوند پاک طاعت با سینه ای تابناک

پگاهان که چشم افق باز شد یکی جنگ تمامی آغاز شد

به نام تو ای پاک پروردگار که جان آفرینی و صورت نگار
توکل به لطف تو دینداری است به شوق تو اشک قلم جاری است

چنان شوری در دلها می انگیزد که همین امر باعث گردید تا تعدادی از شیرمردان و بسیجیان
ایثارگر به جبهه های دفاع مقدس عزیمت نمایند.